

متن پرسش

سلام علیکم: استاد عزیز در اینکه فلاسفه شک‌گرای غربی در انحراف فکری و عقیدتی هستند شکی نیست و در اینکه مسیری که در تفکر خود طی کرده‌اند به این انحراف منجر شده در این هم شکی نیست، و اینکه حق و حقیقت و واقعیت کاملاً واضح و آشکار است و کسی که در درک ادراکات بدیهی خود دچار مشکل و شک است دچار نوعی مرض فکریست هم شکی نیست، که به قول روانشناس دچار وسواس یا هذیان است، حال می‌خواهد اسمش هیوم باشد یا کانت یا ...، در کل مسیر فکری که به حق و حقیقت ختم نشود دچار انحراف و بیماریست که فلسفه شک‌گرای غرب نمونه بارز این انحراف و بیماریست، و به هیچ وجه قابل تایید نیست، و باید به این تفکر شک‌گرا که در انتها به سفسطه می‌انجامد به عنوان بیماری نگاه کرد و در پی داروی فکری مناسب جهت درمان این بیماری فکری بود، که البته حکمای اسلامی با طرح حکمت متعالیه که به حق داروی فکری این بیماریست توانستند بر این تفکر شک‌گرای بیمارگونه غلبه کنند، درود خدا بر ملاحظه‌کنندگان و حکمای که راه او را ادامه دادند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این که حکمت صدرایی راه‌گشوده‌ای در این تاریخ است، برای حضور در چنین جهان پرآشوب و تأکید حضرت امام نیز بر همین اساس است؛ شکی نیست. ولی امثال شهید مطهری در برخورد با فیلسوفان غربی این‌طور که شما برخورد می‌کنید، برخورد نکردند و به قول آقای دکتر طالب‌زاده از اساتید فلسفه‌ی دانشگاه تهران، با رجوع به فیلسوفان غربی و برگشت به فلسفه‌ی اسلامی می‌توانیم نشاط و طراوت از دست‌رفته‌ی فلسفه‌ی اسلامی را به آن برگردانیم. موفق باشید